

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران مرکزی
دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی ، گروه علوم اجتماعی
پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد (M.A)
گرایش: جامعه شناسی

عنوان :

ریشه های اجتماعی اسلام انقلابی در ایران
(دوره زمانی ۱۳۶۰-۱۳۲۰)

استاد راهنما

دکتر حسن محدثی گیلوئی

استاد مشاور

دکتر محمدباقر تاج الدین

پژوهشگر

کاظم امامی گلستان

زمستان ۱۳۹۰

تقدیم به پدر و مادر عزیزم

به پاس محبت هایتان

شما را ارج می نهم و این ناچیزترین
را

تقدیمتان می دارم

تقدیر و تشکر

بدین وسیله از زحمات اساتید ارجمند جناب آقای دکتر حسن محدثی گیلوئی در مقام استاد راهنما و جناب آقای دکتر محمدباقر تاج الدین در مقام استاد مشاور، و همچنین سرکار خانم دکتر فرح ترکمان در مقام استاد داور که با رهنمودهای بی دریغ شان مرا در تهیه این رساله یاری نمودند صمیمانه سپاسگزارم .
و همچنین با تقدیر فراوان از دوستانی که مرا در این کار یاری داده اند.

بسمه تعالی

تعهد نامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب **کاظم امامی گلستان** دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته به شماره دانشجویی ۸۷۰۸۴۹۲۲۹۰۰ در رشته **جامعه شناسی** که در تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۳۰ از پایان نامه خود تحت عنوان: **ریشه های اجتماعی اسلام انقلابی** با کسب نمره ۱۹ و **درجه عالی** دفاع نموده ام بدین وسیله متعهد می شوم:

- این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه های موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام.
- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی ارائه نشده است.
- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هر گونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.
- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچ گونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی :

تاریخ و امضاء :

بسمه تعالی

در تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۳۰

دانشجوی کارشناسی ارشد آقای کاظم امامی گلستان از پایان نامه
خود دفاع نموده و با نمره ۱۹ بحروف نوزده تمام و با
عالی مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	چکیده
	فصل اول: کلیات تحقیق
۲	۱- بیان مسأله
۵	۲- اهداف تحقیق
۶	۳- اهمیت موضوع تحقیق و انگیزش انتخاب آن
۶	۴- سوالات تحقیق
۷	۵- تعاریف عملیاتی متغیرها و واژه‌های کلیدی
۹	۶- روش تحقیق
۹	۷- قلمرو تحقیق
۹	۸- محدودیت‌ها و مشکلات تحقیق
	فصل دوم: پیشینه تحقیق
۱۲	۱-۲ پیشینه تحقیق
	فصل سوم: چارچوب نظری
۱۸	مقدمه
۲۰	۳- تفکر، امری متحول
۲۰	۳-۲ زمان و زمینه‌ی تفکر
۲۱	۳-۳ تعین اجتماعی معرفت
۲۶	۳-۴ میانجی‌های تفکر و شرایط اجتماعی
۳۵	۳-۵ زایش ایدئولوژی انقلابی: از ساحل آرام محافظه‌کاری تا دل دریای موج رادیکالیسم
	فصل چهارم: روش‌شناسی تحقیق
۴۸	۴- روش تحقیق: روش جامعه‌شناسی تاریخی
۵۴	بخش دوم: یافته‌های تحقیق
	فصل پنجم: ریشه‌های اجتماعی و فکری اسلام انقلابی: ردیابی کوشش‌های فردی
۵۶	۵-۱ ریشه‌های اجتماعی اسلام انقلابی
۶۰	۵-۲ مدرنیزاسیون آمرانه
۶۳	۵-۳ مطالبه‌ی اجتماعی اسلام انقلابی
۶۴	۵-۴ اسلام انقلابی، یک نیاز زمانی و مکانی
۶۶	۵-۵ ریشه‌های فکری اسلام انقلابی
	فصل ششم: ریشه‌های اجتماعی و فکری اسلام انقلابی: گروه‌ها و سازمان‌های مولد اندیشه انقلابی
۷۴	۶-۱ فدائیان اسلام
۸۱	۶-۲ کانون نشر حقایق

۸۳	۶- ۳ نهضت آزادي
۸۴	۶- ۴ سازمان مجاهدين خلق
۹۶	۶- ۵ گروه‌ها و سازمان‌های مارکسيستی
۱۰۱	۶- ۶ گروه فرقان
۱۰۳	۶- ۷ نهضت‌هاي انقلابي دنيا
فصل هفتم: صورت بندی اسلام انقلابی	
۱۰۷	۷- ۱ میانجی‌هاي دخیل در شکل‌گیری اسلام انقلابي
۱۱۴	۷- ۲ راديکالیسم پس نگرانه
۱۲۶	۷- ۳ راديکالیسم پیش‌نگرانه
۱۲۸	۷- ۴ وجوه تشابه و تفاوت راديکالیسم پس‌نگرانه و پیش‌نگرانه
۱۳۳	۷- ۵ اسلام انقلابي شريعتي
۱۴۰	۷- ۶ اسلام انقلابي آیت‌اله خميني
۱۴۴	۷- ۷ اسلام انقلابی و انقلاب اسلامی
۱۵۱	۷- ۸ دين سرخ
۱۵۳	۷- ۹ وجوه تشابه دين سرخ و اسلام انقلابی
فصل هشتم : نتیجه گیری و پیشنهادات	
۱۵۶	۸- ۱ نتیجه‌گیری
۱۶۲	منابع و مأخذ
۱۶۵	چکیده انگلیسی

چکیده

در مسیر مدرن شدن ایران در دوره‌ی حکومت پهلوی اول و دوم، شرایطی چون آمرانه بودن این مدرنیزاسیون، مهاجرت فزاینده، شهرنشینی، انسداد سیاسی و بی‌توجهی به نهادهای دینی و حتی مبارزه با آنها، افزایش اقتصاد دلالی، افزایش فروش نفت و به تبع آن افزایش انتظارات از نظام حاکم و عدم تحقق این انتظارات، زمینه اعتراضات روز افزون را فراهم ساخت. چنین شرایطی گروه‌های دینی را به مبارزه علیه نظام حاکم کشاند و اسلام به عنوان ابزار مبارزاتی در کانون توجه گروه‌های دینی قرار گرفت. نقش اسلام هم به دلیل تفسیرهای خاصی که از آن می‌شد و هم به عنوان کاربرد آن در مبارزات برخی کشورها نظیر الجزایر و تونس و ... به طور چشم‌گیری افزایش یافت. تفسیری از اسلام که می‌بایست پاسخ‌گویی مشکلات اجتماعی باشد. این تفسیر نو از اسلام به مرور بدل به تفکری انقلابی و در نهایت اسلام انقلابی شد. چنین تفسیر انقلابی از اسلام یا گفتمان اسلام انقلابی در تقابل با گفتمان انقلاب اسلامی شکست خورد و به حاشیه رانده شد و دیگر به مانند گذشته منشا اثر نشد. این تحقیق بر آن است که پاسخ دهد چطور و در چه شرایط اجتماعی، اسلام انقلابی بدل به گفتمان غالب عصر خود شد و توانست چنین تأثیری را از خود بر جای گذارد. در این تحقیق ما به روش تاریخی متوسل شدیم.

فصل اول

كليات تحقيق

۱- بیان مسأله

در خلال قرن بیستم و با شکل‌گیری حکومت پهلوی اول و شروع برنامه‌ریزی برای توسعه اقتصادی کشور و ایجاد تحول در نظام اداری و اقتصادی و نیز در دیگر بخش‌های جامعه از جمله بهداشت، حمل و نقل و ارتباطات، جامعه ایران در مسیر مدرن شدن گام برداشت. فرایند مدرن شدن که به نحوی آمرانه و از بالا به پایین در جامعه پی‌گیری شد، و همراه بود با ورود در رسانه‌های جدید و فرهنگ غربی به ایران، و شهری شدن روزافزون و بی‌برنامه و مهاجرت فزاینده روستاییان به شهرهای کشور، نارضایتی‌هایی را از نظر اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی در طول چند دهه پدید آورد. نادیده گرفتن جایگاه دین و نیروهای دینی سبب نارضایتی آنها گشت و انجام برخی اقدامات توسط پهلوی اول و دوم به این نارضایتی عمق بیشتری بخشید. پهلوی دوم کم و بیش سیاست‌های پهلوی اول را دنبال نمود؛ نادیده گرفتن نقش دین و فرهنگ دینی و گاه حتی تلاش برای از بین بردن نمادهای دینی و تضعیف نقش اجتماعی نیروهای دینی، ترویج فرهنگ غربی، توسعه ناموزون، شهری شدن فزاینده و مهارنشده، تمرکزگرایی، تجاری شدن اقتصاد و رشد اقتصاد دلالی، عدم گشایش عرصه سیاسی برای مشارکت نیروهای سیاسی فعال و وابسته سازی بیش از حد اقتصاد به درآمدهای نفتی و اقداماتی از این قبیل رفته رفته به نارضایتی‌ها بویژه نارضایتی طبقات متوسط به پایین شهری دامن زد و آنها را به سوی پذیرش ایدئولوژی‌های سیاسی موجود در جامعه سوق داده و نیز شرایط را برای رواج تفسیر تازه‌ای از اسلام که بتواند پاسخگوی نیازها و مطالبات مردم ناراضی باشد آماده کرد. تحت تاثیر انتقال یک نوع نظام ارزشی از غرب و روند مدرنیته شدن ایران بحران هویت و از جاکندگی تدریجی مردم ایران پدیدار شد. از طرف دیگر اوضاع نابسامان اقتصادی که منشا تاریخی داشت باعث توسعه ناموزون در سطح جامعه شد. شرایط خاص تاریخی در چنین زمانی و انبوه پرسش‌های مطروحه و لزوم پاسخ‌گویی به چنین پرسش‌هایی، گروهی را برآن داشت تا دست به تفسیری نو از دین زده، نسبت به دین سنتی که به زعم آنان پاسخ‌گوی نگرگونی‌های عصر حاضر نبود واکنش نشان دهند. این در حالی بود که این گروه متوجه شرایط نابسامان اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه نیز بودند. چنین تفسیری نو از دین باعث پدیداری و زایش پدیده‌ای به نام اسلام انقلابی گردید. اسلامی که می‌بایست پاسخگوی مسائلی در اجتماع بوده و علاوه بر آن جهت‌گیری انقلابی داشته باشد. به این معنی که نسبت به ظلم، موضعی بی‌تفاوت نداشته، بلکه دست به اعتراض زند. سازندگان و حاملان این تفسیر انقلابی از اسلام، آشکارا به مخالفت با تفسیرهای مالوف از دین نظیر تفسیر سنتی و تفسیر عرفانی از دین پرداختند. به تدریج روحانیون و روشنفکران به نقد روحانیون سنتی پرداختند و آرام آرام انقلابی بودن بدل به

معیاری برای قضاوت در مورد دین‌داری گردید، به طوری که برخی از روحانیون و روشن‌فکران به صفت انقلابی متصف گردید و شان برتری نسبت به اقران دیگر خود یافتند. چنین برداشتی از اسلام و تشیع بی‌سابقه بود و زاده‌ی تحولات جامعه‌ی ایرانی در دوران معاصر است. اگرچه تشیع بر فراز عناصر و بن‌مایه‌های اعتراضی و انقلابی که در طی تاریخ حیات شیعیان ساخته و پرداخته شده بود با خود حمل می‌کرد، اما تفسیر جدید از تشیع برداشتی کاملاً نو از همان درون‌مایه‌ها و عناصر شیعی موجود بود. برای روشن شدن بیشتر موضوع بهتر است با مثالی موضوع را پی بگیریم. «شریعتی توانست ذهن و ضمیر مخاطبان خود را تسخیر کند و نیروی آنها را آزاد ساخت. برخی معتقدند که شریعتی با اسطوره‌سازی توانست عقل و عاطفه مخاطبان را در جهت اهداف ایدئولوژیک خویش به خدمت بگیرد. بی‌شک اسطوره‌زدایی از دین به تنهایی نمی‌تواند چنین تأثیر شگرفی داشته باشد. ارائه تفسیر غیرخودستیز از دین ممکن است برخی از مخاطبان را با دین آشتی دهد و دینداریشان را تقویت کند. اما به خودی خود نمی‌تواند آنان را برای تغییر جهان و جامعه به حرکت درآورد. شریعتی به بازخوانی اسطوره‌های دینی ابرانسان‌هایی با اراده‌ای تماماً معطوف به فضیلت ساخت. این ابرانسانها یا انسان‌های برتر یا به تعبیر خود وی (انسانی از آن‌گونه که باید باشد و نیست) همگی در موقعیت‌هایی تراژیک قرار گرفته‌اند. فاطمه، علی، حسین و زینب و در مراتبی نازل‌تر حر و حسن و محبوبه ابرانسان‌هایی هستند که در گفتار شریعتی در وضعیت‌هایی سرپا تراژیک قرار دارند. بدین ترتیب شریعتی تراژدی‌هایی دینی ساخت. بازنمایی نمادینی که شریعتی از وضع موجود ارائه کرد کاملاً تراژیک است. غربی که استعمارگر است، خودی که از خود بیگانه و غرب زده شده است و تجدد را بر تمدن ترجیح داده است. دینی که منحن شده است. روشن‌فکری که ترجمه‌ای می‌اندیشد و مقلد است، دموکراسی‌ای که ضد فضیلت است، تکنولوژی که لجام گسیخته است و به ماشینیسم منتهی می‌شود و هزار و یک چیز دیگر. و شریعتی با قدرت نشان داد که نظام موجود و وضع موجود مرداب است و به تنهایی بسان یک دستگاه عریض و طویل تبلیغاتی برضد وضع موجود عمل کرد. خلاقیت و نبوغ شریعتی را نیز نباید نادیده گرفت. او می‌توانست چیزهایی را دستاویز حمله به رژیم بسازد که چنان مواجهه‌ای به ذهن کمتر کسی خطور می‌کرد. شریعتی در حقیقت به نبرد با روشن‌فکران حکومت - یا به تعبیر گرامشی روشن‌فکران ارگانیک - پرداخت و آنها را که هنوز از زخم حمله آل احمد رنج می‌بردند شکست داد. او می‌توانست به نحوی غیرمستقیم به شخص شاه و عمل‌کرد او حمله کند اما هرچه کمتر در مظان اتهام قرار گیرد، مثلاً شاه جشن‌های تمدن دوهزار و پانصد ساله به راه می‌انداخت یا از تمدن بزرگ سخن می‌گفت و شریعتی با یک سخن‌رانی و به زبان نمادین (که آری این چنین بود برادر) تمام تمدن را زیر سوال می‌برد (محدثی، ۱۳۸۳: ۱۵۶-۱۵۵).

این گوشه‌ای از خصوصیات تفکر انقلابی است که شریعتی در آن سهیم بوده است. علاوه بر شریعتی افراد، گروه‌ها، و سازمان‌های دیگری نظیر شریعت سنگلجی، نخشب، سازمان مجاهدین خلق، گروه فرقان و گروه‌هایی دیگر بودند که در رشد این نوع از تفسیر انقلابی از دین سهیم بودند. نوعی دیگر از تفسیر انقلابی از دین نیز متعلق به کسانی بود که بیشتر تفسیر سنتی اما

رادیكال از دین را باز می‌تابانیند. این نوع تفسیر از اسلام كاملا متفاوت از تفسیری انقلابی است كه امثال شریعتی و سازمان مجاهدین خلق و گروه‌هایی نظیر آنها از اسلام داشتند كه در فصول آینده به آن اشاره خواهد شد. نمایندگان این نوع تفسیر اسلام کسانی چون نواب، آیت‌اله خمینی و روحانیونی بودند كه چنین تفسیر رادیكال و انقلابی‌ای را اشاعه دادند. اعلامیه فدائیان اسلام تحت عنوان راهنمای حقایق و تبلیغ دین اسلام به جهانیان و با شعارهایی با ادبیات خاص خود كه كاملا رادیكال بود و همراه با ایجاد رعب و وحشت و ترور از این نوع است. آیت‌اله خمینی نیز با ادبیات رادیكال خود نوعی اسلام انقلابی را اشاعه داد كه گذشته دینی اسلام را مورد تاکید قرار می‌داد.

حال پرسش‌هایی نظیر: شرایط اجتماعی ایران در عصر پهلوی از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۷ به چه نحوی شكل یافت كه ممد شكل‌گیری تفسیری این چنین انقلابی از اسلام گردید؟ نقش دیگر ایدئولوژی‌های مطرح در عصر پهلوی در الهام‌بخشی به تفسیر انقلابی از اسلام چیست؟ روند شكل‌گیری تفسیر انقلابی از اسلام از چه مراحل گذشته است؟ چگونه تفسیر انقلابی از اسلام به تفسیری پرنفوذ و نیرومند در میان روحانیون و روشن‌فکران مسلمان بدل شد؟ مطرح می‌شوند كه می‌بایست به آن پاسخ داد تا چگونگی و چرایی روند شكل‌گیری تفكر انقلابی و در نهایت اسلام انقلابی فراهم گردد.

۱-۲ اهداف تحقیق

هدف از انجام تحقیق شناسایی شرایط اجتماعی سیاسی معاصر ایران در دوران پهلوی اول و خصوصا پهلوی دوم و نقش اسلام در به حرکت درآوردن نیروهای سیاسی مخالف و میزان تأثیرپذیری این نیروها از اسلام و کاربرد آن در مبارزات علیه نظام حاکم می‌باشد. بدانیم كه چطور در شرایط خاصی اسلام نقش مبارزه را ایفا كرد. چگونه شد كه افرادی چون نخشب، شریعتی، سازمان مجاهدین خلق و سایر گروه‌هایی مرتبط با آنها در دوره خاصی شرایط اجتماعی خاصی را آفریده و باعث بروز ایده اسلام انقلابی و به تبع آن انقلاب اسلامی شدند و در چه شرایط اجتماعی‌ای این جریان در ذیل جریانی قرار گرفت كه بعدها اسلام انقلابی خوانده شد و آن جریان متعلق به جریان راست و روحانیون و در صدر آنها آیت‌اله خمینی بود. از آنجا كه نقش تفسیر انقلابی از اسلام در شكل‌گیری انقلاب ۱۳۵۷ توسط محققان مختلف داخلی و خارجی مورد تأیید و تاکید قرار گرفته است، حال این پرسش اساسی مطرح می‌شود كه "در طی چه روندی شرایط برای تفسیر انقلابی از اسلام مساعد گردید و سبب شد چنین تفسیری از اسلام به تفسیر غالب زمانه مبدل شود

۱-۳ اهمیت موضوع تحقیق و انگیزش انتخاب آن

زمانی که تنها اشاره‌ای به رویداد تاریخی‌ای می‌شود که آن رویداد تاریخی با گروهی پیوند داشته است که بعدها نقش اساسی در پیروزی انقلاب ایران و بازتعریف ارزش‌ها و نمادها داشته است، کنجکاو می‌ماند که بر می‌انگیزاند که در مورد چنین پدیده‌ای که در تاریخ تنها اشارات مجملی به آن شده است و آن‌گونه که باید و شاید به آن پرداخته نشده است، بررسی بیشتری به عمل آید. اسلام انقلابی دو واژه‌ای هستند که در تاریخ معاصر ایران نقش چشم‌گیری را در تحولات ایفا کرده‌اند، اشکال متفاوتی به خود گرفته‌اند و تفسیرهای متفاوتی را بازتابانیده‌اند. تحول و تفسیر دینی در ایران مدرن یکی از مهم‌ترین پدیده‌ها در تفکر اجتماعی معاصر در ایران مدرن است. یکی از این تفسیرها تفسیر انقلابی از اسلام است و نقش ایدئولوژی اسلامی در شکل‌گیری انقلاب اسلامی بر کسی پوشیده نیست. می‌دانیم که دین در ایران معاصر ممد تحول انقلابی بوده است، برخلاف نقش دین در کشورهای نظیر فرانسه که در آن مسیحیت و کلیسا در مقابل نیروهای انقلابی ایستاد و در دفاع از نیروهای سنتی فرانسه قرن ۱۸ عمل کرد. با توجه به نقش اساسی چنین تفسیری از اسلام در نیروهای مبارز در ایران معاصر که در نهایت باعث بروز انقلاب اسلامی در ایران شد، بنابراین بررسی نقش اسلام انقلابی در شکل‌گیری تحولات ایران معاصر اهمیت بسزایی دارد.

۱-۴ سوالات تحقیق

- ۱- رابطه تفکر اسلامی با شرایط اجتماعی ایران معاصر چگونه رابطه است؟
- ۲- شرایط اجتماعی سیاسی پیش از انقلاب چه نقشی در شکل‌گیری تفسیر انقلابی از اسلام داشته است؟
- ۳- نقش دین و خصوصاً شیعه در به حرکت درآوردن نیروهای اجتماعی سیاسی در ایران معاصر چگونه بوده است؟
- ۴- نقش تفسیر انقلابی در انقلاب اسلامی چگونه بود؟
- ۵- آیا تفسیر انقلابی از اسلام در امروز نیز همچون پیش از انقلاب تأثیرگذار است؟

۱-۵- تعاریف عملیاتی متغیرها و واژه‌های کلیدی

پدیده اجتماعی: «برای جامعه‌شناسان پدیده‌های اجتماعی در حکم مجموعه‌ای از رفتارهای فردی و غیرمتغیر در زمان و مکان نیستند. برای آنان پدیده‌های اجتماعی ناشی از خصلت‌های جمعی، خانوادگی، طبقاتی، و یا ملی هستند و در حکم نتایجی از روابط متقابل افراد و نفوذ اجتماعات برای افراد تلقی می‌شوند» (محسنی، ۱۳۸۲: ۲۲).

مدرنیزاسیون آمرانه: پدیده‌ای که در آن دگرگونی در جهت نوسازی ساختار اجتماعی به صورت اجباری و از بالا صورت می‌گیرد و این دگرگونی ممکن است مطابق با رای اکثریت

نموده تنها به دلیل آرم‌سازی ذهنی در جهت مطلوب‌سازی و یا مطابق سلیقه یک شخص یا اشخاص صورت پذیرد.

نظام ارزشی: «ارزش، میزان توانایی یک شیء (چیز، اندیشه یا شخص) در ارضای یک میل، یک نیاز، یک تمنا یا انسان است. پس، اساس ارزش را باید در اندیشه‌های انسانی جستجو کرد که نفع (ارزش) یک شیء خارجی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد» (بیرو، ۱۳۸۰، ۴۴۴). و از این رو نظام ارزشی مجموعه اصول، مقررات، قوانین و هرچیزی است که مطلوب افراد است و بر اساس آن عمل می‌کنند.

انقلاب: «انقلاب عبارت از عصیان جمعی ناگهانی و شدیدی است که قصد آن واژگونی قدرت یا رژیم و دگرگونی وضعیت معینی است. انقلاب حقیقتاً لحظه‌ای تاریخی است که حالت انفجار اجتماعی و در عین حال حالت هیجان انفرادی مشخصه آن است» (روشه، ۱۳۸۹: ۲۲۴). منظور ما از انقلابی بودن در این جا صرفاً مرتبط با اقدامات خسونت‌آمیز، تغییر ناگهانی ساختار و مواردی از این دست نیست. انقلابی بودن، هدفش صرفاً براندازی نیست. بلکه اشاعه نوعی روحیه خاص، انتقادی بودن، مسئول بودن و مواردی از این دست است.

اسلام انقلابی: پدیده‌ای اجتماعی است که حاملان آن با نگاهی متفاوت، تفسیری متفاوت از اسلام را ارائه دادند که متفاوت از گذشته بود و رادیکال بودن، تغییر ساختار اجتماعی و نقش سیاسی اسلام را در عرصه قدرت مورد تأکید قرار می‌دهد.

انقلاب اسلامی: پدیده‌ای منحصر به فرد به لحاظ اجتماعی و تاریخی که در سال ۱۳۵۷ در ایران رخ داد و تمامی ساختار قدرت را از راس تا پایین دگرگون کرد و اسلام را به عرصه کنش سیاسی وارد کرد و در این راستا تمام نظام‌های ارزش، هنجاری و... کاملاً دگرگون شد.

ایده‌نولوژی: «این واژه به هنگام پیدایی آن در آغاز قرن نوزدهم، با توجه به معنای لغویش، در معنای «دانش اندیشه» به کار رفت. لیکن، امروزه، این اصطلاح را به ویژه با دیدی منبعث از جامعه‌شناسی سیاسی به کار می‌برند و مجموعه‌ای کم و بیش به هم پیوسته را متشکل از اندیشه‌ها و باورهایی که گروهی معین را به حرکت در می‌آورند و با شیوه‌های عمل آنان را در جامعه مشروع می‌سازند، می‌رساند» (بیرو، ۱۳۸۰: ۱۶۷). در نوشته‌های مارکس ایدئولوژی معنای منفی و به نوعی آگاهی کاذب را می‌رساند: «ایدئولوژی با هدف توجیه جهان پدید می‌آید، لیکن جز بیان اراده‌ی یک طبقه مسلط به منظور باقی ماندن بر مسند قدرت نیست (همان: ۱۶۸). اما بعدها متفکرینی نظیر مانهایم از ایدئولوژی معنای متفاوت و گاه مثبتی را به کار بردند.

اتوپیا: «معنای دقیق واژه، «نیست در جهان»، یا سرزمینی است که وجود ندارد. این مفهوم، در آغاز، عنوان اثر برجسته‌ای به زبان لاتینی از توماس مور بود. او، با این مفهوم، مدینه کامل و حکومت آرمانی را توصیف می‌کرد. امروزه این واژه اغلب در جهت نشان دادن رویای کامل اجتماعی که امکان وصول بدان نیست، همچنین تعبیه خیالی و غیرقابل تحقق سازمانی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، به کار می‌آید» (همان: ۴۴۳).

ایده‌نولوژی انقلابی: یک نظام عقیدتی - ارزشی است که نارضایتی‌های فردی را به نارضایتی سیاسی - اجتماعی جمعی تبدیل و انقلابیون و توده‌ها را در جهت براندازی نظام نابسامان حاکم

و جایگزین کردن آن با نظام سیاسی و اجتماعی و فرهنگی آرمانی به شیوه خاصی ترغیب می‌کند (پناهی، ۱۳۸۹: ۳۸۸).

رادیکالیسم: «در عامترین معنا، «رادیکال» برای اشاره به آن دیدگاه‌های سیاسی و دینی‌ای به کار رفته است که طالب تغییر مفرط نظم اجتماعی‌اند. رادیکالیسم معمولاً با جنبشی در جهت تغییر بنیادی مرتبط است» (دیویس، ۱۳۸۷: ۱۵۳).

بنیادگرایی: از آن جا که بنیادگرایی با رویکرد دینی آغاز شده است، بنابراین می‌بایست آن را مرتبط با دین دانست و تعریفی مرتبط با دین را ارائه داد. بنیادگرایی «به معنی بازگشت به اصولی است که معرف یا اساس يك دین است» (www.fa.wikipedia.org.p:2).

۱-۶ روش تحقیق

روش تحقیق تاریخی و مبتنی بر مطالعه اسناد، کتاب‌ها، مصاحبه‌های انجام شده در گذشته از اشخاص درگیر در جریان تاریخی مدنظر ما، خاطرات، بیانیه‌ها و غیره بوده است که با بررسی و تحلیل محتوی آن‌ها صحت آن‌ها را سنجیده و با مقایسه‌ی آن‌ها با موارد مشابه، به نوعی دست به بازسازی تاریخ مدنظر زدیم. تاکید بر خاطرات افرادی که مستقیماً درگیر در جریان مدنظر بوده‌اند، بیشتر بوده است.

۱-۷ قلمرو تحقیق

قلمرو تحقیق مرتبط با دوره‌ی زمانی مرتبط با پهلوی اول و با تاکید بیشتر، پهلوی دوم می‌باشد. ما به دلیل اهمیت و نزدیکی تاریخ معاصر ایران در شکل‌گیری پدیده مورد نظرمان، قلمرو تحقیق‌مان را بیشتر معطوف به دوره‌ی زمانی ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ کردیم هر چند در موارد لزوم اشاراتی را نیز به دوره‌های قبل و پس از آن نیز داشته‌ایم و در این کار به دلیل مطالعه کمتر محطاطانه‌تر عمل نمودیم.

۱-۸ محدودیت‌ها و مشکلات تحقیق

درست است که محققان بسیاری از واژه‌های تفسیر انقلابی و تفکر انقلابی و در نهایت اسلام انقلابی در کار خود استفاده کرده‌اند، اما کاربرد چنین واژگانی بیشتر در ارتباط با موضوع دیگری بوده است که ذهن محقق را درگیر کرده است و یا چنین واژگانی بیشتر برای قوام بخشیدن به تحقیق آنها بوده است و تحقیقاتی که مستقیماً حول این واژگان انجام شده باشد کم و در سطح يك اشاره به این واژگان در تاثیرگذاری بر روند اجتماعی و سیاسی نگاشته شده است. برای مثال نیکی کدی در کتاب تاریخ انقلاب ایران خود تنها به این جمله اکتفا کرده است و مابقی پرداختی به آثار شریعتی بوده است. آثار دیگران نیز یا در این حد خلاصه می‌شود و یا تفسیرهایی گذرا هستند که کم‌کم زیادی به فهم چگونگی زایش، شکل‌گیری و بسط و گسترش بحث اسلام انقلابی نمی‌کند. به علاوه تعدد نیروهای درگیر با چنین جریانی پیش و هم‌زمان و پس از

آن بسیار گسترده می‌باشد. از این‌رو فهم چنین روندی مستلزم مطالعه تاریخ پیش از آن، تاریخ هم‌زمان و روی‌دادهای اتفاق افتاده با زمان شکل‌گیری آن و تاریخ پس از آن می‌باشد. چنین قصدی، هم‌زمان زیادی را می‌طلبد و هم کار ما را در مرتبط ساختن آنها به هم دشوار می‌سازد. محدودیت کتاب‌ها و مقاله‌های فارسی به دلیل عدم پرداخت به این موضوع ما را به استفاده از منابع خارجی واداشت که خود به دلیل زمان زیادی که برای ترجمه آنها می‌طلبید خود مشکلات محدودیت زمانی را به‌وجود می‌آورد. از این‌رو با توجه به زمان مشخص و محدود سعی نمودم نهایت استفاده را از این زمان ببرم.

بی شک تحقیق فوق به دلیل همین محدودیت‌ها و مشکلات نواقص زیادی خواهد داشت که امیدوارم در فرصت مناسب نسبت به رفع آنها اقدام نمایم.

فصل دوم

پیشینه تحقیق

۱-۲ پیشینه تحقیق

نگارش راجع به پیشینه يك تحقیق ما را در فهم هرچه بهتر آن یاری می‌رساند. از این رو ما به طور خلاصه اهمیت تحقیق خود را در نظر سایر مولفان که در این حوزه کار کرده‌اند، مورد بررسی قرار می‌دهیم. در این که بحث مربوط به اسلام انقلابی در ایران معاصر حائز اهمیت زیادی بوده است و نویسندگان و تحلیل‌گران زیادی چه در داخل و چه در خارج از ایران به تاکید بر آن اشاره کرده و آثاری نیز نگاشته‌اند شکی نیست. اما آنچه در این جا جای بحث دارد سطح کیفی این آثار است که می‌بایست مورد بررسی قرار گیرد. مرتبط با این قضیه، در این بخش باید یادآور شد که تحقیق‌هایی که حول بحث فوق (اسلام انقلابی) تاکنون صورت گرفته است و یا حداقل از نظر ما گذشته است، آثاری بوده است که بیشتر یا موردی است و مربوط به سایر کشورها نظیر الجزایر، فرانسه و غیره بوده است و یا اسلام انقلابی‌ای است که پس از انقلاب را شامل می‌شود. یعنی اسلام انقلابی‌ای که صرفاً منحصر به پس از انقلاب می‌شود. اسلامی سنت‌گرا، متعصب نسبت به گذشته دینی و ضد مدرن. آثاری نیز که اسلام انقلابی مرتبط با پیش از انقلاب را در برمی‌گیرد، تنها به اشارات و توصیفات محدود می‌شود و از ریشه‌ها، عوامل تاثیرگذار و یا حتی چگونگی آن کمتر سخن گفته شده است. منظور ما از چنین اسلامی، اسلام انقلابی چه از نوع گذشته‌نگر و چه آینده‌نگر در پیش از انقلاب ایران است که به این دو اصطلاح و گروه رادیکال دینی در فصول بعد به طور مفصل اشاره خواهد شد. تاکید ما در این تحقیق بر هر دو نوع اسلام انقلابی است که چه پیش از انقلاب و چه پس از انقلاب در سطح اجتماع حضور داشته (البته تاکید ما بیشتر بر ریشه‌های شکل‌گیری آن است) و در روند کنش خود با تائید یا رد افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها یا بسط یافته‌اند، یا افول کرده‌اند، و یا حتی از بین رفته‌اند. در این بخش سعی کرده‌ایم برخی از آثاری را که حول این موضوع توسط برخی از مولفان و تحلیل‌گران صورت پذیرفته است، مورد بررسی قرار دهیم تا به چرایی دغدغه‌ی این مولفان در پرداختن به این موضوع وقوف یابیم.

شیرین هانتز در مقاله خود تحت عنوان ایران و گسترش اسلام انقلابی، اسلامی را مورد تاکید قرار می‌دهد که پس از پیروزی انقلاب، انقلابی است و این انقلابی بودن اسلام را با اقدام صدور انقلاب به سایر کشورها مورد بررسی قرار می‌دهد. هانتز گسترش چنین اسلامی را در نگاه سایر کشورها، نظیر کشورهای غربی و حتی کشورهای اسلامی رادیکال و خطرآفرین می‌بیند: «از زمان وقوع انقلاب اسلامی در ایران در فوریه ۱۹۷۹، جاذبه‌ی نوعی از اسلام ستیزه‌گرانه و انقلابی، منشا نگرانی جدی را در بسیاری از کشورهای اسلامی و متحدان غربی‌شان بوجود آورده است» (www.jstor.org/stable/3992664:1).

اغراق آمیز بودن یا درست بودن این ادعا از حوصله این بحث خارج است. اما در همین راستاست که هانتر اشاره می‌کند: «هرچند در تأثیر عامل ایرانی در گسترش جنبش‌های اسلامی ممکن است اغراق زیادی صورت گرفته باشد، اما نباید اهمیت ایران را در گسترش جنبش‌های اسلامی نادیده گرفت. شکی نیست که انقلاب ایران منبع الهام و دلگرمی برای گروه‌های ستیزه‌جوی اسلامی بوده است. زیرا به آن‌ها این امیدواری را داده است که اسلام می‌تواند نقش موثر و موفقیت‌آمیزی در تغییرات اجتماعی و سیاسی و تقلیل تأثیرات خارجی در کشورهای مسلمان داشته باشد» (www.jstor.org/stable/3992664:2).

در این‌جا باید باز هم تأکید کرد که هانتر اسلام انقلابی پس از انقلاب ایران را توصیف می‌کند. انقلابی که از عناصر چپ تسویه شده و با اسلام منحصر به فرد خود در عرصه سیاست فعالیت می‌کند و به همین دلیل جاذبه آن در تقلیل تأثیرات خارجی است و نه تأثیرپذیری از آن. در این‌جا از اسلامی بحث می‌شود که ضد مدرن است؛ اسلام مدنظر آیت‌الله خمینی است و رویکرد رادیکال خود را در راستای اسلامی کردن از نوع پس‌گرایانه (گذشته‌نگر) به کار می‌گیرد. این نوع از اسلام انقلابی، افراد را تقسیم می‌کند به بد یا خوب، دوستان یا دشمنان، موافق یا مخالف، و این دشمنان و مخالفان یا باید توبه کنند یا نابود شوند: «دیدگاه جهان ایرانی، که ضرورتاً از دیدگاه‌های آیت‌الله روح‌الله خمینی الهام پذیرفته است، شامل تقسیم ساده مردم و دولت‌های جهان به دو گروه مشخص قدرت‌های متکبر و ستم‌گر و ملت‌های مظلوم و زیرپامانده است. یا در اصطلاح اسلامی ایرانی مستکبرین و مستضعفین» (www.jstor.org/stable/3992664:5). در این نوع از اسلام انقلابی مستضعفین همیشه صاحب حقد و مستکبرین همیشه مقصر بدبختی آنان. ادبیات خاص پس از انقلاب مبنی بر کاربرد واژگان «مرگ بر...» و ... از این نوع است.

اردشیر مهرداد نیز در مقاله خود تحت عنوان "اسلام انقلابی (ویژگی‌های مشترکش چیستند)"، اسلام انقلابی را به مثابه همان فرضی می‌گیرد که ما آن را رادیکالیسم پس‌نگرانه (گذشته‌نگر) نام نهاده‌ایم. او معتقد است: «علی‌رغم تنوع آشکار جنبش‌های اسلامی انقلابی یا رادیکال، شماری ویژگی‌های مشترک دارند. فرزند سرمایه‌داری پیشرفته است، جاذب لایه‌های اجتماعی است که توسط دولت مدرن مورد تهدید است. ضد دنیوی شدن است، و نسبت به غیر خود متعصب است. ضد روشن‌گری است. خصومت دائم با دموکراسی و نمایندگی توده است، ذاتاً ضد طبقه است و جامعه را از بند طبقه رها می‌کند. اسلام انقلابی نمی‌تواند به هیچ مرز ملی و یا قوانین ساخت بشر محدود گردد»

(www.iran-bulletin.org/political_isalam/politica_islam_art_.html).

اسلام انقلابی مدنظر مهرداد بیشتر مختص عربستان و ایران پس از انقلاب و به ویژه اسلام انقلابی آیت‌الله خمینی است: «آن (جنبش‌های اسلامی) از یکسو مرتبط است با منطقه عربستان سعودی و از سوی دیگر زیر چتر خمینیسم» (همان).

مهرداد زایش چنین جنبش‌های انقلابی را بیشتر در کشورهای می‌داند که دارای ساختاری سرمایه‌داری هستند: «این جنبش‌ها دقیقاً در کشورهای می‌رشد که ساختارهای